

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Comparative Study of Compensation for Breach of Technology Transfer Contracts in the Legal Systems of Iran, Canada, and France

1. Hamidreza Rafeapour Tehrani: Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Bakhtiar Abbaslou*: Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: abaslob@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Hatam Sadeghi Ziyazi: Department of Law, Pardis Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran

ABSTRACT

Technology transfer contracts are among the common agreements in the field of industrial property law. Based on these contracts, specific technologies, often of strategic value, are made available by the holder to the transferee in exchange for a specified amount and for a defined period. However, like any other contract, these agreements may be breached. Each legal system may adopt different approaches to compensating for the damages incurred in this regard. This study examines these approaches in the legal systems of Iran, Canada, France, and Islamic jurisprudence. In the Canadian legal system, several documents, including the Public Servants Inventions Act and guidelines on intellectual property management issues, have been enacted regarding technology transfer contracts. In the French legal system, Law No. 75-1334 and Article 442-1 of the Commercial Code govern this area. Meanwhile, in the Iranian legal system, laws such as the Electronic Commerce Law and the Foreign Investment Promotion and Protection Act are relevant. Additionally, Islamic jurisprudence has imposed specific restrictions on the transfer of intangible assets. The primary question addressed in this research is: How is compensation for the breach of technology transfer contracts determined in the legal systems of Iran, Canada, France, and Islamic jurisprudence? The findings of this descriptive-analytical study indicate that the foundations and methods of compensating for breach of technology transfer contracts differ fundamentally among the legal systems of Iran, Canada, France, and Islamic jurisprudence. Furthermore, France and Canada, as transferring countries, always seek full compensation in this regard.

Keywords: *Technology Transfer, Compensation, Breach, Jurisprudence.*

How to cite: Rafeapour Tehrani, H., Abbaslou, B., & Sadeghi Ziyazi, H. (2024). Comparative Study of Compensation for Breach of Technology Transfer Contracts in the Legal Systems of Iran, Canada, and France. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(3), 166-185.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 August 2024
Revise Date: 04 October 2024
Accept Date: 25 October 2024
Publish Date: 12 November 2024



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بررسی تطبیقی جبران خسارت ناشی از نقض قراردادهای انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و فرانسه

۱. حمیدرضا رفیع پور طهرانی: گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. بختیار عباسلو: گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: abaslob@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. حاتم صادقی زبازی: گروه حقوق، واحد پردیس، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

قراردادهای انتقال فناوری از جمله قراردادهای معمول در حوزه حقوق مالکیت صنعتی به شمار می‌روند. بر مبنای این قراردادها، فناوری‌های خاصی که عموماً ارزش راهبردی دارند، از سوی دارنده در ازای مبلغی معین و برای دوره‌ای مشخص در اختیار انتقال گیرنده قرار می‌گیرد. با این حال، ممکن است این قراردادها نیز همانند هر قرارداد دیگر، دچار نقض شوند و در هر نظام حقوقی ممکن است رویکردهای متفاوتی در زمینه جبران خسارات وارده در این زمینه، اتخاذ شده باشد که در تحقیق حاضر این رویکردها در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا، فرانسه و فقه مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نظام حقوقی کانادا، چندین سند از جمله قانون ابتکارات کارمندان عمومی، اصول راهنمای ناظر بر مدیریت مسایل مالکیت فکری و... در حوزه قراردادهای انتقال فناوری به تصویب رسیده و در نظام حقوقی فرانسه، قانون شماره ۷۵-۱۳۳۴، ماده ۴۴۲-۱ قانون تجارت و... در این حوزه حاکمیت دارد در حالی که در نظام حقوقی ایران، قوانینی مانند قانون تجارت الکترونیکی و قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی در این زمینه وجود دارند. علاوه بر این، فقه اسلامی نسبت به انتقال اموال غیرمادی سختگیری‌های خاصی را داشته است. سؤال اصلی که در این تحقیق مدنظر بوده این است که جبران خسارت ناشی از نقض قراردادهای انتقال فناوری در هر یک از نظام‌های حقوقی ایران، کانادا، فرانسه و فقه به چه نحوی است؟ نتیجه تحقیق حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، نشان می‌دهد مبانی و روش‌های جبران خسارت ناشی از نقض قراردادهای انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا، فرانسه و فقه با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارد ضمن اینکه کشورهای فرانسه و کانادا به عنوان کشورهای انتقال دهنده، همیشه خواهان جبران خسارت کامل در این خصوص هستند.

واژگان کلیدی: انتقال فناوری، جبران خسارت، نقض، فقه.

نحوه استناددهی: رفیع پور طهرانی، حمیدرضا، عباسلو، بختیار، و صادقی زبازی، حاتم. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی جبران خسارت ناشی از نقض قراردادهای انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و فرانسه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۳)، ۱۸۵-۱۶۶.

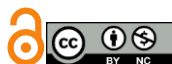
© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۷ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۳ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۴ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۲ آبان ۱۴۰۳



مقدمه

انتقال فناوری در حقوق بین الملل اقتصادی و سرمایه گذاری به عنوان یکی از اصول مبنایی برای کشورهای در حال توسعه که فناوری‌های کشورهای توسعه یافته صنعتی را در اختیار ندارند؛ محسوب می‌گردد. البته قرارداد انتقال فناوری، در سطح کشورهای توسعه یافته میز مورد بحث قرار می‌گیرد کما اینکه بر طبق آیین نامه شماره ۲۰۱۴/۳۱۶ کمیسیون اتحادیه اروپایی ناظر بر اعمال بند ۳ ماده ۱۰۱ معاهده عملیاتی کردن اتحادیه اروپایی، تصریح شده است که توجه به انتقال فناوری در سطح دولت‌های عضو از باب تضمین قوانین حقوق رقابت است. معادل لفظی تکنولوژی، دانش، منطق و تکنیک است که به فن‌آوری، فن‌شناسی و فن‌گرایی نیز ترجمه شده است. کلمه فن‌آوری متخذ از واژه‌های یونانی^۱ است که در معنای تحت‌اللفظی متشکل از دو بخش «فن» و «آراستن و سازمان دادن» است. «Tekne» در زبان یونانی مترادف پدیده‌هایی است که در محیط طبیعی یافت نمی‌شوند و بشر با تلاش‌های بدی و فکری خود آن‌ها را به محیط طبیعی افزوده است و واژه «logie» نیز به معنای «عقلی است که بر جهان و تکامل آن حاکم می‌باشد». اگر چه این تصور رایج در قرون پیشین هنوز قائلان نادری دارد که فن‌آوری موهبتی برای بشر تلقی نمی‌شود، بلکه کوره راهی است که به تباهی روح انسان ختم می‌شود. اما از این باور مبالغه‌آمیز که بگذریم ناگفته هویداست که نقش فن‌آوری در جهت‌دهی به جوامع انسانی و بهبود سطح زندگی انسان انکارناپذیر است و بی‌سبب نیست که از فن‌آوری به نیروی محرکه کلیه تحولات، تعبیر می‌شود (Rahbari, 2013; Silva et al., 2019).

از نظرگاه اقتصادی کلان این یک حقیقت آشکار است که توسعه اقتصادی در گروهی دسترسی به فن‌آوری می‌باشد، به تعبیر دیگر، سرعت، عمق و تداوم جریان تغییرات مستمر فن‌آوری سبب توسعه اقتصادی است و اکنون، قدرت تکنولوژیکی از عمده‌ترین مشخصه‌های برتری اقتصادی و از عوامل محرک رشد و توسعه متوازن محسوب می‌شود، به واسطه اهمیت روزافزون فن‌آوری در سطح بین‌المللی، جنگ اقتصادی تکنولوژیک جایگزین منازعات نظامی شده است. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم کشورهای توسعه یافته از اقتصاد صنعتی به سمت اقتصاد اطلاعاتی حرکت کرده و امروزه پا به عرصه اقتصاد دانش‌بنیان^۳ گذاشته‌اند. توسعه فن‌آوری امروزه گزینه‌ای پیش روی کشورها نیست، بلکه الزامی برای حفظ بقا در اقتصاد جهانی به شمار می‌رود. مطابق آماری که اخیراً سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل^۴ اعلام کرده است، سهم توسعه تکنولوژیک در عرصه رقابت جهانی ۶۸ درصد می‌باشد که بیشترین نقش را در میان عوامل مختلف به خود اختصاص داده است (Trade Representative of the Islamic Republic of Iran, 2006).

در تعریفی، فن‌آوری یک شیوه علمی در تحصیل هدفی عملی و در توصیف دیگری کاربرد سیستماتیک انواع اشکال دانش سازمان یافته^۵ قلمداد شده است. در تعاریف مشابهی، فن‌آوری به کارگیری یافته‌های علمی در حل مشکلات عملی به ویژه در حوزه صنعت و تجارت با اشبوه‌ها، اقلام و ابزاری که برای حل مشکلات عملی مورد استفاده قرار می‌گیرند. معرفی شده است. از منظر کلی دیگری، فن‌آوری به یک سیستم فنی، انسانی تشبیه شده که ناظر به روابط میان انسان و محیط اطراف اوست (Rahbari, 2013).

1. tr/violia/technologie.

2. Kaczynski, 2014: 16.

3. knowledge-based economy.

4. United Nations Industrial Development Organization (UNIDO).

از این تعاریف علی‌رغم عدم توضیح تفصیلی فن‌آوری می‌توان به نکته‌ای پی برد و آن تفاوت میان فن‌آوری و «علم»^۱ است. علم صرفاً دانسته‌های تئوریک بشری است، در حالی که فن‌آوری، دانش و تجربیات تئوریک را جامعه عملی و کاربردی می‌پوشاند. دانش و فن‌آوری هر دو، نوعی دانستن قلمداد می‌شوند، با این تفاوت که علم، دانستن پاسخ اجراء است و فن‌آوری، دانستن پاسخ «چگونه به علم از جنس دانایی و فن‌آوری از سنخ توانایی است. اگر چه باید اذعان داشت که امروزه مفاهیم دانش و فن‌آوری در نتیجه تحولات به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند، به طریقی که دانش از منظری کلی به دو شکل متجلی می‌شود: دانش اساسی که نتیجه تحقیقات بنیادی است و دانش تکنولوژیک که به واسطه تحقیقات کاربردی تولید می‌شود (Martin, 2012; Rahbari, 2013).

در برابر تعاریف موسع فوق، بعضی مفهومی مضیق از فن‌آوری به دست داده‌اند: مقصود از فن‌آوری در این رهیافت، ابزار، وسایل و ماشین‌هایی است که دستیابی به هدفی عسلی را که غالباً تولید محصولات و بسط بازارهای مصرف است، میسر می‌کند. در بسیاری از کشورها از فن‌آوری به همین معنا محدود می‌شود. اما به ماهیت فن‌آوری نباید از این روزنه تنگ نگریست؛ تجدید فن‌آوری به عینات خارجی و ابزار و تجهیزات، تقلیل مفهومی آن است.

در تعاریف دقیق‌تری، فن‌آوری به کارگیری علم یا سایر دانسته‌ها به وسیله یک سیستم منظم که متضمن اشخاص، سازمان‌ها، مهارت خلاقه و ماشین‌هاست (Pouman Manjily & Taleghani, 2015) دانسته شده و یا فرایندی که در یک وسیله یا فن یا یک روند سازمانی جلوه خارجی می‌یابد و به موجب آن، نیروی کار، سرمایه، مواد اولیه و اطلاعات به محصول و خدماتی قابل عرضه تبدیل می‌گردد (Ungureanu et al., 2016). اسناد حقوقی بین‌المللی و ملی نیز به تبیین مفهوم فن‌آوری بی‌توجه نبوده‌اند: «کنفرانس سازمان ملل در خصوص تجارت و توسعه (آنکتاد) در پیش نویس اصول راهنمای بین‌المللی انتقال فن‌آوری^۳ به مفهوم فن‌آوری پرداخته و از آن به «دانش سازمان یافته‌ای که برای تولید محصول، به کارگیری یک فرایند و ارائه خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعبیر کرده است. البته به عقیده مفسران محصولات تولیدی خود در گستره تعریف نمی‌گنجد، بلکه مفهوم فن‌آوری در دانشی متبلور می‌شود که کاربرد آن به تولید اقلام یا عرضه خدمات می‌انجامد. به این ترتیب فن‌آوری معادل شیوه‌ها و دانسته‌ها، قابلیت‌های سازمان‌یافته مهارت‌های تخصصی و دانش فنی‌ای می‌شود که در فرایند تولید و بهبود کیفی محصولات کاربرد دارند (Scarrà & Piccaluga, 2020; Ungureanu et al., 2016) مطابق رهیافت سازمان جهانی مالکیت فکری^۴ (وایپو) فن‌آوری به معنای «دانش سیستماتیکی است که برای تولید محصول یا ارائه خدمات در حوزه‌های صنعت، کشاورزی و تجارت» به کار می‌رود. مطابق این رویکرد، فن‌آوری برآیند دانش است، اما نه علم محض، بلکه دانش سازمان‌یافته‌ای است که هدفی می‌کند. این دانش را در چهارچوبی خاص رصد کرده و در برآورد نیازها و غلبه بر دشواری‌ها مؤثر و هدفمند عمل که ممکن است در ذهن تولیدکننده یا در قالب اسناد مادی یا الکترونیکی جای داشته باشد، قابلیت انتقال داشته و در حقیقت همان «دارایی‌های فکری»^۵ است (International Chamber of Commerce, 2015; Monica & Constantin, 2012).

1. Science.

2. United Nation Conference on Trade and Development (UNCTAD).

3. Draft International Code of Conduct on the Transfer of Technology.

4. World Intellectual Property Organization (WIPO).

5. intellectual properties.

در قضایای مختلف نزد ایکسید و سایر نهادهای داوری تجاری بین‌المللی به موضوع انتقال فناوری و ابعاد مختلف آن اشاره شده است از جمله مرجع داوری در ارتباط با قضیه لی لی در مقابل کانادا، به دلیل نقض بند یک ماده ۲۷ قانون مالکیت فکری کانادا در ارتباط با حق اختراع که در ارتباط با موضوع یک قرارداد انتقال فناوری منعقد شده بین طرفین بود، کانادا را محکوم به پرداخت ۵۰۰ دلار کانادایی نمود (Chapman, 2002; Habibi, 2015). در قضیه فلیپ موریس آسیا در مقابل استرالیا در سال ۲۰۱۲ میلادی به موجب معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری هنگ کنگ و استرالیا، که در ارتباط با مصادره یک علامت تجاری شرکت فلیپ موریس آسیا از سوی استرالیا بود؛ استرالیا به عنوان خواننده دعوی معتقد بود که مصادره علامت تجاری شرکت فلیپ موریس آسیا به این دلیل توجیه قانونی دارد که این علامت، ارزش اقتصادی این شرکت در استرالیا را بنا به دلایلی از بین برده است. در مقابل، شرکت فلیپ موریس آسیا بر مبنای ماده ۶ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری هنگ کنگ و استرالیا، مدعی شده بود که این مصادره علامت تجاری، این شرکت را از حقوق دائمی اقتصادی خود باز می‌دارد (Alexandra, 2015; International Chamber of Commerce, 2015).

بر این اساس، فن‌آوری از منظر صرف حقوقی، سیستمی نظام یافته در بستری صنعتی و تجاری است که عنصر اساسی و کلیدی آن دارایی‌های فکری می‌باشد؛ زیرا حتی مواردی چون شیوه‌های سازماندهی و سازمان‌های مدیریتی نیز به نوعی در اثر تلاش‌های فکری و تجربه حاصل شده و غالباً در قامت اسرار تجاری در می‌آیند. شاید بتوان کمی فراتر رفت و اظهار داشت که در چهار چوب‌های حقوقی، ماهیت فن‌آوری چیزی جز حقوق فکری نیست؛ زیرا در حقیقت بخش سخت افزاری فن‌آوری نیز با کاربرد اطلاعات خلاقانه شکل گرفته است اما نباید از نظر دور داشت که فن‌آوری برای عملیاتی شدن نیازمند واسطه‌های مادی است که به هر حال جزئی از آن را تشکیل می‌دهند. در مقرره کمیسیون اروپا در خصوص کاربست ماده ۸۱ معاهده اتحادیه اروپا (رم) نسبت به قراردادهای انتقال فن‌آوری واژه فن‌آوری شامل حوزه‌های وسیعی از مالکیت فکری، نظیر اختراعات، طرح‌های صنعتی، طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه، مدل‌های مصرفی، نرم افزارهای رایانه‌ای، دانش فنی و ارقام گیاهی است. در راهنمای کاربست ماده ۸۱ معاهده اتحادیه اروپا (رم) نسبت به قراردادهای انتقال فن‌آوری، فن‌آوری در بیان مشابهی، معادل اختراع و اختراعات در حال گذار (اظهارنامه اختراع)، مدل‌های مصرفی، دانش فنی، طرح‌های صنعتی و نرم افزارهای رایانه‌ای و سایر اموال فکری مشابه است. علامت تجاری و موضوعات مشمول قواعد کپی رایت نیز نه به نحو مستقل، بلکه به طور تبعی، ممکن است مسائلی در ارتباط با فن‌آوری مطرح سازند (International Chamber of Commerce, 2015; Kavita, 2011; Martin, 2012; Monica & Constantin, 2012).

انتقال تکنولوژی از نظر مفهومی به خودی خود شامل انتخاب روش مناسب و سپس اقدام به انتقال فناوری با روش انتخاب شده و در نهایت، گرفتن بازخوردهای اطلاعاتی مناسب از فناوری انتقال یافته با هدف اصلاح روش یا نحوه بکارگیری آن می‌باشد. اهمیت انتقال تکنولوژی احتمالاً هم از نظر شمار و هم از نظر محدوده می‌باشد. تمرکز روزافزون بر روی زنجیره تامین فناوری و افزایش تحقیقات در شبکه یا مفاهیم مرتبط با ارتباط نشان دهنده این است که رویکردهای جدیدی در مورد انتقال تکنولوژی در سطح دولت‌ها و هم چنین در سطح حقوق بین الملل پدید آمده است (Barros et al., 2020).

برای دستیابی به فن‌آوری دو طریق عمده وجود دارد: تولید یا تحصیل آن. کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه به سبب آنکه فاقد توانمندی تکنولوژیک و ظرفیت‌های ساختاری برای توسعه فن‌آوری هستند، غالباً توان تولید فن‌آوری‌های نوین را نداشته و از سوی دیگر نمی‌توانند نیاز مبرم خود به دانش روز را پوشیده دارند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه تنها ۵ درصد از سهم

تولید فن آوری در بازار جهانی را به خود اختصاص داده‌اند و از این رو بدیهی است که به دنبال تحصیل فن آوری باشند (Link & Oliver, 2016; Ungureanu et al., 2020) و بدین ترتیب انتقال فن آوری به عنوان گزینه‌ای ناگزیر و البته راهکاری سودمند در نیل به این غایت رخ می‌نماید.

انتقال فن آوری موضوعی است چند وجهی که لایه‌های عمیق و ابعاد متنوعی دارد و دانش، اقتصاد، تجارت، سیاست و حقوق را به عنوان بازیگران اصلی عرصه خود می‌بیند و به همین سبب، ارائه تعریفی جامع از آن، قدری دشوار است. معنای تحت‌اللفظی انتقال در لغت‌نامه‌های انگلیسی به هدایت با جابه‌جا شدن یک شخص یا یک چیز از یک مکان به شخص، چیز یا مکانی دیگری است، با گذر از یک چیز، مکان یا نقطه‌ای به چیز، مکان یا نقطه‌ای دیگر با عمل تغییر دادن عینی از شخصی به شخصی دیگر است. در حقوق، انتقال به معنای واگذاری قطعی حق بر یک موضوع عینی یا غیر در مفهومی موسع و ابتدایی، انتقال فن آوری به معنای «واگذاری فن آوری از مکانی به مکانی دیگر است. در این فرایند، فن آوری که نشئت گرفته از بسترهای اقتصادی پیشرفته است به سیستم تولید کشورهای عقب‌مانده‌تر سرازیر می‌شود (Ariaparsa & Ebramihi, 2023). در لغت‌نامه معتبر آکسفورد ذیل تعریف انتقال فن آوری بر وصف بین‌المللی آن تأکید شده است اما در محدوده درون مرزی این جابه‌جایی از صنعتی به صنعت دیگر یا از سازمانی به سازمان دیگر صورت می‌گیرد. از منظر «مدیریت بین‌المللی فن آوری»^۱، نیز انتقال فن آوری به معنای «انتقال تحقیقات اساسی از یک کشور توسعه یافته به یک کشور در حال توسعه می‌باشد. انتقال فن آوری در مقررات کار سازمان ملل در بیانی کلی به «انتقال دانش سیستماتیک به منظور تولید محصول و ارائه خدمات» تعریف شده است به زعم برخی انتقال فن آوری به عنوان یک راهبرد تجاری فرایندی است که طی آن فن آوری از محلی که در آن توسعه یافته است (خاستگاه) به محلی که در آن‌جا از آن بهره برداری می‌شود (محل جذب) منتقل می‌گردد (Akbari et al., 2020; Barros et al., 2020).

در برخی تعاریف قانونی از آن به صرف واگذاری حقوق ناشی از مالکیت‌های فکری تعبیر شده است. برای نمونه در بند ۷ ماده ۳ قانون انتقال فن آوری ویتنام، منظور از انتقال فن آوری واگذاری مالکیت یا حق استفاده از حقوق ناظر به فن آوری است. مطابق ماده ۱۰ قانون توسعه دانش و فن آوری میانمار، انتقال فن آوری معادل اعطای حق استفاده از فن آوری و همچنین فروش و واگذاری آن می‌باشد (Link & Oliver, 2020; Martin, 2012).

در تعریف بهتری از این سنخ، انتقال فن آوری یک رشد فراگیر محسوب می‌شود که به موجب آن کشورهای که از حیث صنعتی در سطح مطلوبی قرار ندارند با معطوف ساختن توجه خود به خلاقیت‌های فکری دیگر کشورها و کسب تجهیزات، رویه‌ها و دانش فنی سازمان یافته که ممکن است از یک ایده خلاقانه تا محصول یا فرایندی کامل باشد، درصدد ارتقای سطح تکنولوژیک خود بر می‌آیند (Silva et al., 2019).

۱- مفهوم قرارداد انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و فرانسه

از آنجا که که کلید واژه اصلی که در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد، قرارداد انتقال فناوری است در بخش نخست این مقاله به مفهوم قرارداد انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و فرانسه پرداخته می‌شود.

۱-۱- قرارداد انتقال فناوری در سطوح نظام حقوقی ایران

¹. international technology management.

اصل انتقال فناوری در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است به طوری که در فصل دوم قانون برنامه پنجم توسعه در بندهای «د» و «ه» ماده ۱۷ به طور کامل و بندهای «ز»، «ط» و «ی» ماده ۱۸ نسبت به برنامه ی چهارم توسعه، تاکید بیش تر بر انتقال فناوری، تجاری سازی نتایج پژوهشی، حمایت از فرآیند آن و استفاده از یافته‌های علمی و فناوری در توسعه مراکز رشد و پارک‌های علمی و فناوری و تصویب قوانین حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و حمایت از نخبگان و پژوهشگران در تولید علم کاربردی و فناوری را در پی داشته اند. هم چنین سند چشم انداز بیست ساله و قانون وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با پیش بینی مواد قانونی مختلفی بستر قانونی کلان به منظور گسترش انتقال فناوری و ساز و کارهای اجرایی آن پیش بینی کرده اند. در قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران در خلال بند «پ» ماده ۴ به انتقال فناوری اشاره شده است: «اولویت اقتصادی در سیاست خارجی کشور با هدف جذب دانش و نوآوری از کشورهای صاحب فناوری و توسعه بازارهای صادراتی (کالایی و کشوری) خدمات فنی و مهندسی و کالاهای ایرانی، اعزام نیروی کار، جذب اساتید و متخصصان برای آموزش و انتقال فن و فناوری برای نیروهای ایرانی، تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی برای جلوگیری از اعمال تبعیض‌های ناروا علیه صادرات ایران با رعایت مصالح کشور».

۱-۲- قرارداد انتقال فناوری در سطح نظام‌های حقوقی کانادا و فرانسه

اصولاً در نظام حقوقی فرانسه، هیچ قانون خاصی وجود ندارد که به قرارداد انتقال فناوری پرداخته باشد و صرفاً می‌توان به قانون شماره ۷۵-۱۳۳۴ مورخه ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ اشاره داشت که دارای چند ماده ناظر بر قرارداد انتقال فناوری است. بر اساس تعریف موجود در این قانون راجع به قرارداد انتقال فناوری آمده است: «فرآیندی است که طی آن، یک مقاطعه کار با مسئولیت خود، تمامی یا بخشی از فناوری ایجاد شده توسط خود را به شخص طرف قرارداد با خود انتقال می‌دهد.» جدا از این موضوع، فرانسه به عنوان یکی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی، از دستورالعمل‌ها و قوانین اتحادیه در زمینه انتقال فناوری بایستی تبعیت نماید. در برخی از این دستورالعمل‌ها و قوانین اتحادیه به قرارداد انتقال فناوری و تعریف آن پرداخته شده است از جمله در آیین نامه شماره ۲۰۱۴/۳۱۶ کمیسیون اتحادیه اروپایی در ماده ۴ به تعریف قرارداد انتقال فناوری پرداخته شده است: «قراردادهای انتقال فناوری در ارتباط با مجوزدهی به حقوق فناورانه است. این چنین قراردادهایی معمولاً بهره وری اقتصادی را افزایش داده و می‌توانند به عنوان قراردادهای رقابت پذیر محسوب شوند از آنجا که کپی کاری در حوزه پژوهش و توسعه را کاهش می‌دهند، انگیزه برای تحقیقات و توسعه اولیه را افزایش می‌دهند، انتشار فناوری را تسهیل می‌نمایند و رقابت در حوزه محصولات تجاری را افزایش می‌بخشند.»

این قانون هیچ گونه محدودیتی بر انعقاد قراردادهای انتقال فناوری قائل نشده است و طرفین می‌توانند این قرارداد را برای مدت زمانی کوتاه یا بلند منعقد کرده ضمن این که این قرارداد می‌تواند در صورت توافق طرفین تجدید گردد. البته قرارداد انتقال فناوری به مانند سایر قراردادها در نظام حقوقی فرانسه از برخی شرایط مشترک تبعیت می‌نماید برای نمونه از آنجا که عمدتاً طرف فرانسوی در موقعیت انتقال دهنده فناوری قرار می‌گیرد، در صورتی که طرف دیگر قرارداد که معمولاً در کشورهای در حال توسعه هستند، نتواند به تعهدات خود عمل نماید بر مبنای ماده ۱۲۱۷ قانون مدنی این کشور، ضمانت اجرایی مانند خاتمه قرارداد، تعلیق پرداخت ها، تقاضای تعدیل قرارداد، الزام به ایفای تعهد و مطالبه خسارت در نزد محاکم قضایی وجود دارد. هم چنین، اگرچه در برخی موارد اتفاق می‌افتد که قرارداد انتقال فناوری منحصر به خرید تجهیزات و ماشین آلات بدون خرید اختراع ثبت شده و حقوق ناشی از آن می‌باشد. این مورد برای جایی است که خریدار، خود، دانش

چگونگی تولید را به هر نحو به دست آورده و در اختیار دارد و در واقع، دانش چگونگی مذکور در محتوای اختراع ثبت شده یا نوآوری که به صورت محرمانه نگهداری می‌شود را نیاز ندارد.

۲- موارد نقض قرارداد انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و فرانسه

در این قسمت موارد بارزی که می‌تواند به صورت مصداقی قرارداد انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و فرانسه نقض شود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدیهی است که علل مختلفی می‌توان برای نقض قرارداد انتقال فناوری از سوی انتقال دهنده و انتقال گیرنده فناوری ذکر نمود هم چون عدم امکان پرداخت یا تاخیر در پرداخت از سوی انتقال گیرنده فناوری که آن هم می‌تواند موجب نقض قرارداد شود. در این قسمت مهم‌ترین موارد نقض قرارداد انتقال فناوری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲-۱- در نظام حقوقی کانادا و فرانسه

در نظام حقوقی کانادا و فرانسه، تصاحب ناروای اسرار تجاری نقض آن محسوب گردیده است و به همین جهت از تکلیف ناقض به جبران خسارت و استحقاق دارنده ی اسرار تجاری نسبت به جبران خسارت، سخن گفته شده است. با این حال در ابتداء باید ملاحظه نمود که در حقوق کانادا چه مواردی در ارتباط با تجاری سازی حق اختراع، جزو اسرار تجاری محسوب می‌گردند:

۱- اطلاعاتی که عموماً شناخته نشده و قابل دستیابی از طریق قانونی نباشند، اطلاعات واجد شرایط اسرار تجاری نخواهند بود مگر آن که برای افرادی که می‌توانند به لحاظ تجاری از آن‌ها بهره برداری کنند، ناشناخته بوده و به سادگی قابل دستیابی نباشند. مهم‌ترین ویژگی سر تجاری، محرمانگی است. وقتی اطلاعات محرمانه به طور عمومی فاش گردد، دیگر راز تجاری نمی باشد. اسرار تجاری هنگامی به سادگی قابل دستیابی نیستند که اشخاص ناگزیر باشند برای تحصیل آن‌ها به اعمال فریبکارانه روی آورند مثلاً از طریق جاسوسی اقتصادی و سایر ابزارهای غیرقانونی سعی در تحصیل آن‌ها نمایند. دادگاه‌ها نیز معمولاً از تایید اطلاعاتی که به سادگی از منابع عمومی مثل روزنامه‌ها، کتابچه‌های راهنما، کتابخانه‌ها، پایگاه‌های داده قابل جمع آوری باشند، به عنوان اسرار تجاری خودداری می‌ورزند؛

۲- مزیت رقابتی داشته یا دارای ارزش اقتصادی باشند: به منظور حمایت از اطلاعات تجاری از طریق قرارداد رازداری، اطلاعات باید تا حدودی ارزش اقتصادی مستقل داشته یا مزیتی را در مقابل رقبا فراهم آورند. بدین معنا که دارنده را از لحاظ رقابتی در موضع قوی‌تری نسبت به رقبای خود که وقوفی نسبت به اطلاعات مذکور ندارند، می‌نشانند. عموماً زمانی شخص در دادگاه دعوایی را مبنی بر نقض اصل رازداری مطرح می‌نماید که اطلاعات او از ارزش بالایی برخوردار باشد. اطلاعاتی که از ارزش اقتصادی پایینی برخوردار است، منافع محدودی را نیز به دنبال دارد.

۳- موضوع اقدامات متعارف و معقول به منظور حفاظت از راز قرار گیرند: از آنجایی که این اطلاعات ممکن است همواره مورد تهدید واقع شوند، بنابراین باید اقداماتی از سوی صاحب این اسرار صورت گیرد تا از نشر این اطلاعات نزد عموم و یا رقبای تجاری جلوگیری کند. همین که به سادگی اعلام شود که این اطلاعات اسرار تجاری است، موجب نمی‌شود که آن‌ها به عنوان اسرار تجاری قلمداد شوند بلکه یک دارنده راز تجاری باید به صورت ایجابی به گونه‌ای رفتار کند که تمایلش را برای محرمانه نگه داشتن اطلاعات به اثبات رساند. در واقع، دادگاه از اسرار تجاری که دارنده آن در نگهداری از آن‌ها کوتاهی نموده است، حمایت نمی‌کند و عمل مالک راز بر تصمیم دادگاه در تلقی این که چه چیزی تحت پوشش می‌باشد، موثر است. با توجه به تعاریف ارائه شده و هم چنین تحلیل عناصر اسرار تجاری، تعریف ذیل را به عنوان تعریفی نسبتاً کامل از اسرار تجاری به شرح زیر ارائه کرده اند: «هر نوع اطلاعات که دارای ارزش اقتصادی مستقل یا بالفعل یا ارزش

رقابتی است به سبب آن که عموماً ناشناخته می‌باشد و به سادگی و از طرق قانونی قابل دستیابی یا احراز نبوده و دارنده قانونی، تدابیر متعارفی را برای حفظ محرمانگی آن‌ها ترتیب داده است.»

۲-۲- در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران نیز همین نتیجه قابل پذیرش است زیرا امروزه اسرار تجاری در عرف دارای ارزش بوده و نوعی مال به شمار می‌آید. بر این اساس، تصاحب ناروای آن‌ها مشمول مقررات استیلاء ناروا بر حق غیر محسوب گردیده و می‌تواند بر اساس عموماً غصب و آن چه در حکم غصب است، با ضمانت اجراهای شناخته شده توسط قانون گذار از جمله جبران خسارت مواجه گردد. این نکته شایسته توجه است که مفهوم نقض اسرار تجاری نیز با استثنایاتی در حقوق کانادا مواجه است به عنوان مثال هم چنان که فوقاً اشاره شد، چنانچه مالک اسرار تجاری، در حفظ و حراست از آن‌ها تلاش معقولی انجام نداده و به جهت سهل انگاری وی، اسرار مزبور در فضاهای عمومی از قبیل اینترنت منتشر شده باشد، اقدامات استفاده کننده با حسن نیت، نمی‌تواند مشمول قلمروی نقض اسرار تجاری محسوب گردد.

۲-۳- در فقه اسلامی

در فقه نسبت به انتقال فناوری بحثی نشده است زیرا در زمانی که فقها در خصوص مسائل مهم اجتماعی، وضع قاعده می‌نمودند، فناوری به شکل امروزی وجود نداشت. با این حال برخی از فقها در خصوص انتقال منفعت که ماهیت اصلی انتقال فناوری نیز می‌باشد بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند.

۲-۳-۱- موضوع انتقال در فقه

محقق اول (متوفی به ۶۷۶) در کتاب الشرایع از نقل ملک (و نه عین) در عقد بیع سخن می‌گوید ([Najm al-Din Ja'far ibn Hasan](#) [al-Hilli](#)). شهید اول در کتاب معروف لمعه انتقال را صرفاً از طریق بیع و آن هم عین امکان پذیر می‌داند. به عبارت دیگر ایشان از بیع به عنوان ایجاب و قبولی یاد می‌کند که دلالت بر نقل ملک به عوض معلوم دارد ([Shahid al-Thani, 2005](#)). اگر چه در کتاب دیگر خود با عنوان «دروس» عقد بیع را ایجاب و قبولی می‌داند که دلالت بر نقل عین داشته باشد. از همین عبارت می‌توان فهمید که از نظر شهید ثانی انتقال فقط در صورتی مصداق پیدا می‌کند که مال موضوع آن حتماً عینیت داشته باشد. شهید ثانی در کتاب شرح لمعه بر همان تعریف شهید اول که عقد بیع را نقل ملک (و نه عین) می‌داند باقی می‌ماند. (همان) اما در کتاب دیگر خود «مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام» با انتقاد از این تعریف می‌نویسد. که ملک شامل اعیان و منافع است، در حالی که نقل منفعت به عوض معلوم اجاره می‌باشد. با عدول از نظریه قبلی، قائل به انتقال منافع نیز در این رابطه شده‌اند. اما به نظر می‌رسد منفعت مورد نظر شهید ثانی، منفعتی است که از عین ایجاد می‌شود. (اجاره)

مرحوم مقدس اردبیلی نیز در کتاب «مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان» درباره انتقال مال چنین می‌نویسد: «هو الايجاب کبعت و القبول کاشتریت هذا هو احد المنیبن المشهور بل المعانی للبیع فانه قد یطلق علی الايجاب و القبول الصادرین عن بصح عبارته المشتملین علی العوضین الذی یصح وقوع البیع علیها و قد یطلق علی نقل الملك و انتقاله الخ» ([Muqaddas Ardabili, 1992](#)). همانگونه که در این تعریف مشخص است، مرحوم مقدس اردبیلی تا حدودی با عدول از نظریه انتقال مال عینی، انتقال منافع را نیز مشروعیت بخشیده‌اند. با

ظهور صفویان و رسمیت یافتن مذهب شیعه در مرزهای ایران فرهنگی^۱ و دعوت فقهای عراق و لبنان به ایران، حوزه‌های علمیه‌ی ایران و به ویژه حوزه علمیه اصفهان در عصر عباسی رونق فراوان می‌یابند، در همین ایام به دستور شاه عباس صفوی، شیخ الاسلام شهر اصفهان اولین کتاب فقهی به زبان فارسی توسط شیخ الاسلام الشیخ بهاء الدین محمد العاملی نوشته می‌شود، باب نهم این کتاب نیز اشاره به عین بودن موضوع هر انتقالی اعم از بیع و دیگر عقود شده است، «... یازدهم، آن که متاع غبن (اشتباه چایی در متن در دسترس بود و به قطع کامل منظور عین است) باشد. پس انتقال دین و منفعت صحیح نیست»

پس از پایان یافتن دوره عباسی، جریان عقل‌گرای اسلامی که در این دوره با وجود بزرگانی چون میرفندرسکی، میر داماد، شیخ‌بهایبی و ملاصدرا به دوره‌ی اوج خود رسیده بود با ظهور مردی به نام ملا محمد امین استرآبادی^۲ با دوره‌ی رکود خود مواجه شد؛ در آن زمان چالش اصلی حوزه‌های علمیه شیعه، اصول‌گرایی بود یعنی فنی که با استفاده از منابع چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع به تبیین احکام شریعت دست می‌زد و ملا محمد امین با انتقاد شدید از دو منبع اخیر آن‌ها را رد می‌کند؛ ایشان اجماع را دلیلی ساخته و پرداخته اهل سنت دانسته و برای عقل نیز به استناد حدیث «ان دین الله لایصاب بالعقول» برای عقل نقشی قائل نیست؛ ملا محمد امین در کتاب الفوائد المدینه (که آغازگر اندیشه‌ی اخباری است) ادراکات عقلی را به دو دسته تقسیم کرده است: اول ادراکاتی که قریب به حس هستند مانند حساب و هندسه و اکثر ابواب منطق به نظر او این قسم از ادراکات عقلی قابل اعتماد است، چون خطای آن واقع نمی‌شود. دوم ادراکاتی که بعید از حس است مانند حکمت و کلام و اصول فقه و مسائل نظری فقه. او معتقد است اینجا خطا رخ می‌دهد و ادراکات عقلی قابل اعتماد نیست (*Comprehensive Abbasid (Fifteen Chapters), 1883*).

پس از ملا محمد امین دوره‌ی دو بیست ساله‌ای از جدل علمی بین محدثین و مجتهدین آغاز گشت؛ نزاعی که با ظهور مرحوم وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی به اوج خود رسید (*Eslami, 2005*) و سرانجام با ضربات دقیق و فنی شیخ انصاری در فرائد الاصول (رسائل) به اخباریون، به نفع مجتهدین پایان یافت. در این دو بیست سال تعریفی از انتقال عین و منفعت به دست نیامده است حتی در این دوران در خصوص مهمترین وسیله انتقال که از نظر فقها عقد بیع بوده است، مباحث چندانی وجود ندارد. به عبارت دیگر فقه در این دوران حتی از اصول اولیه خود که مربوط به انتقال اموالی که صرفاً عینیت دارند دور شده است.

با شکست محدثین از مجتهدین و پایان یافتن دوره تاریخی این مکتب، علماء اصولی مجدداً به فقه توجه ویژه‌ای نشان دادند و در این دوران کتب فقهی متعددی به نگارش در آمد که در میان آن دو مورد شهرت بیشتری یافتند؛ یکی جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام اثر شیخ محمد حسن نجفی و دیگری کتاب ناقص مکاسب (که جامع ابواب فقه نیست، اما از مهمترین متون درسی حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های حقوق به شمار می‌رود) اثر شیخ انصاری. در کتاب مذکور از فقهای پیشین تعاریف بسیار زیادی ارایه شده است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۶: ۴۰)

۱. منظور از ایران فرهنگی در این گفتار فراتر از مرزهای سیاسی شناخته شده‌ی امروز جمهوری اسلامی ناحیه‌ای در منطقه‌ی خاورمیانه است که اقوام مختلفی چون پارس‌ها، ترکان، افغانیان، بلوچ‌ها، تاجیکان، و عرب‌های عراق را در خود جا داده است یعنی همان محدوده‌ای که با اندکی تسامح مرزهای ایران عصر عباسی بوده است.

۲. شیخ یوسف بحرانی از اخباریان میانه‌رو در معرفی ملا محمد امین در کتاب لؤلؤء البحرین می‌نویسد: «اخباری سرسختی بود. اولین کسی بود که باب طعن بر مجتهدان را گشود و فرقه‌ی ناجیه را به دو دسته اخباری و مجتهد تقسیم کرد. در کتابش الفوائد المدینه به مجتهدان بسیار ناسزا گفت بلکه گاه بدانها نسبت تخریب دین می‌داد. کار درست و خوبی نکرد...» (شیخ یوسف بحرانی، ۱۳۷۰: ۴۷)

و در نهایت شیخ با ارایه تعریفی در این زمینه قانونگذار را در تدوین ماده ۳۳۸ قانون مدنی تحت تاثیر قرار می‌دهد: «تملیک العین بعوض معلوم» (همان)

همان‌گونه که گذشت تعاریف فقها که ناظر به مال بودن موضوع انتقال و علاوه بر این عینیت داشتن این مال تاکید دارد. به نظر می‌رسد علت این سخت‌گیری جهت جدا کردن اجاره از بیع بوده است زیرا در اجاره انتقال منفعت مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۳-۲- عین بودن موضوع انتقال

همانطور که گفته شد تعریف شیخ انصاری از بیع به «انشاء تملیک عین به مال» در ماده‌ی ۳۳۸ ق.م منعکس شده است. لذا تعرف حاضر را با در نظر گرفتن تفاسیری که وی و شاگردان او ارایه نموده اند مورد بررسی قرار می‌دهیم. مرحوم شیخ انصاری پس از بیان تعریف خود به ذکر ۵ ایراد اقدام نموده و به آن‌ها پاسخ می‌دهد (Ansari, 2009).

اول: در صورتی که قائل به این امر باشیم که بیع یعنی «تملیک عین به عوض معلوم» لذا از این به بعد می‌توان بیع را با لفظ مالک نمودم^۱ به جای به کار بردن واژه فروختم^۲ ایجاد کرد؛ و در صورتی که به جواز بیع با «مالک کردم» حکم نکنیم، تعریف کننده (یعنی تملیک) با تعریف شده (بیع) مترادف نشده و این در حالی است که معرف باید با معرف مرادف باشد.

شیخ در پاسخ به این ایراد این گونه بیان می‌دارد: «از آنچه که در مورد بیع گفتیم دانسته می‌شود که حقیقت تملیک عین در برابر عوض، به جز بیع نمی‌باشد. بنابراین اگر کسی به دیگری بگوید که به تو فلان مال را در برابر فلان مال تملیک کردم، بیع خواهد بود...»^۳ فلذا ایشان با این استدلال حق را بر این می‌دانند که بتوان با واژه مالک کردم بیع را واقع ساخت.

دوم: می‌توان برای این تعریف اشکالاتی را بیان نمود از جمله، فروش دین به بدهکار چرا که انشان مالک مالی برای خود شود، این اشکال به این دلیل وارد است که این تعریف نمی‌تواند همه افراد را پوشش دهد چرا که انسان با لفظ «مالک کردم» نمی‌تواند ما فی الذمه شخصی را به او منتقل نماید به این دلیل که برای تحقق یافتن این امر باید انسان بتواند مالک ما فی الذمه خود شود در حالی که این امر میسر نیست و به اجماع فقها بیع دین به بدهکار جایز است پس باید در اینجا عبارت «فروختم» را به «ساقط کردم»^۴ تعبیر کرد.

شیخ در پاسخ به این ایراد این گونه بیان می‌دارد: «هیچ اشکالی ندارد که انسان مالک مافی الذمه خود شود؛ زیرا ملاکی که در مالکیت وجود دارد این است که باید اثر داشته باشد گاه انسان کتابی می‌خرد و مالک آن می‌شود که از آثار و نتایج این مالکیت این می‌باشد که می‌تواند آن را بفروشد، وقف کند، اجاره یا عاریه بدهد و گاهی نیز مافی الذمه‌ی انسان به او تملیک می‌شود اثر این ملکیت اسقاط دین از ذمه‌ی بدهکار است و همین اتفاق می‌افتد؛ به عنوان مثال، شخصی به دیگری بدهی دارد و اکنون به همان میزان از او طلبکار می‌شود. در نتیجه ذمه‌ی بدهکار نسبت به دین پیشین بری می‌شود.»^۵

۱. مَلَكْتُ

۲. بَعْتُ

۳. «فقد تحقق مبادرتناؤ أن حقیقه تملیک العین بالعوض لیست الالبیع، فلو قال: «ملکت کذا بكذا» کان بیعاً،...»

۴. أسقطْتُ

۵. «و فیہ: مع ماعرفت وستعرف من تعقل تملک ما علی نفسه و رجوعه الی سقوط عنه، نظیر تملک ما هو مساو لما فی ذمته و سقوطه بالتهاتر: أنه لولم یعقل التملیک لم یعقل البیع؛ اذا لیس للبیع. و عرفاً. معنی غیر المبادلہ و النقل و التملیک و مایساویها من الالفاظ...» (شیخ انصاری، ۱۳۸۸: ۲۸)

سوم- این تعریف شامل معاطات (عقدی که در آن لفظ وجود نداشته و با قبض و اقباض صورت می‌گیرد) نیز می‌شود؛ در حالی که معاطات به اجماع فقهای شیعه بیع محسوب نمی‌شود؛ شیخ در پاسخ می‌نویسد که: «در آینده می‌آید که معاطات بیع است و مراد کسانی که معاطات را نفی می‌کنند، نفی صحت آن است، نه نفع بیع بودن آن»^۱.

چهارم- بر تعریف فوق این ایراد وجود دارد که برای خرید^۲ (نقطه‌ی مقابل بیع و فروش) نیز صدق می‌کند. در پاسخ باید گفت در خرید ضمنی تملیک وجود دارد و حقیقی که در مورد شراء است، تملک به عوض بوده و به همین دلیل است که نمی‌توان خرید را با لفظ مالک کردن انجام داد.

پنجم- این تعریف مانع دخول اغیار نیست و صلح، قرض و هبه معوض را شامل می‌گردد.

با شرحی که گذشت، از نظر فقها انتقال تنها در شرایطی می‌تواند مصداق پیدا کند که موضوع انتقال حتماً عینیت داشته باشد، آنچه که در فناوری مورد انتقال قرار می‌گیرد، عینیت نداشته و صرفاً خلق اثر فکری یک نهاد یا مجموعه‌ای مجوز استفاده و انتقال به دیگری پیدا می‌کند. با این اوصاف به نظر می‌رسد فقها در خصوص مشروعیت انتقال منفعت به عنوان یک اصل اساسی اجماع داشته باشند و در خصوص این وضعیت میان فقها اختلافی وجود ندارد. با استفاده از این مبنا می‌توان قائل بر این نظریه شد که انتقال منفعت از نظر فقها ایراد و اشکالی نداشته تنها آنچه که محل ایراد و اشکال می‌باشد، انتقال دین است. در خصوص انتقال فناوری آنچه که منتقل می‌شود، ماهیت دینی نداشته بلکه خالق اثر ارتباط خود را و همچنین مالکیت خودش را در این رابطه از دست نمی‌دهد اما در انتقال دین، موضوع انتقال به طور کامل از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود. به نحوی که صاحب دین که آن را انتقال داده دیگر نمی‌تواند ادعایی در این خصوص داشته باشد.

۳- جبران خسارت ناشی از نقض قراردادهای فناوری در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و فرانسه

در قسمت سوم این مقاله به بررسی تطبیقی جبران خسارت ناشی از نقض قراردادهای انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و فرانسه پرداخته می‌شود. بدیهی است که بر حسب رویکرد کلی که در این نظام‌های حقوقی ناظر بر جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد وجود دارد، در زمینه قراردادهای انتقال فناوری نیز این رویکرد مشهود است.

۳-۱- در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، قواعد خاصی در حوزه جبران خسارت ناشی از نقض قراردادهای انتقال فناوری پیش بینی نشده است و همین امر موجب شده است که به رویکرد کلی که در ارتباط با جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد در نظام حقوقی ایران وجود دارد، استناد شود. در متن ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی به خسارتی تصریح شده است که در آینده وارد خواهد شد. حقوقدانان بر این اعتقادند که خسارتی که در آینده، مسلماً و قطعاً، به متعهد له وارد خواهد شد، در صورت تخلف از انجام تعهد، از متعهدله قابل مطالبه است. به این جهت خسارت از حیث ارتباط با زمان پیدایش به خسارت حال و آینده تقسیم می‌گردد.

وجه تشابه خسارتی که وارد شده و خسارتی که وارد خواهد شد، مستند به ماده ۵۱۵ وجود مقتضی است، اما تفاوت این دو، در شرط و مانع است؛ وجه تشابه شرط و مانع آن است که هیچ کدام در زمره علل اربعه موجهه خسارت قرار ندارند که از علل معده می‌باشند، عللی که علل موجهه را معد تأثیر و حصول خسارت می‌نمایند، اما تمایز آن دو، در امر وجودی بودن شرط (نتیجه عدم شرط، عدم مشروط است اما نتیجه

۱. «... و ما سیجی من کون المعاطاه بیعاً؛ و أن مراد النافی نفی صحه» (Ansari, 2009)

۲. شراء

وجود آن، الزاماً وجود مشروط نیست) و امر عدمی بودن مانع (نتیجه وجود مانع، عدم معلول است اما نتیجه عدم آن، الزاماً وجود معلول نیست) و مقدم بودن بررسی شرط بر بررسی مانع است. خسارتی که وارد شده است، علاوه بر اینکه مقتضی است، واجد شرط و فاقد مانع می‌باشد، اما خسارتی که وارد خواهد شد اگرچه مقتضی است، لیکن به واسطه نبود شرط یا وجود مانع معد حصول نیست.

برخی از حقوقدانان پنداشته‌اند که خسارتی که در آینده وارد خواهد شد، همان عدم النفع است، اما عدم النفع مندرج در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.د.م. نمی‌تواند و نباید همان خسارتی باشد که در آینده وارد خواهد شد. خسارتی که در آینده وارد خواهد شد زمانی قابل مطالبه است که مقتضی در آن ثابت باشد. برخی دیگر از حقوقدانان، اگرچه در مسیر نتیجه‌گیری مطلوب وارد شده‌اند لیکن به دلیل توجه منحصر به مانع به عنوان یکی از علل معده علل موجهه و طرح نادرست مثال، نتوانسته‌اند به نتیجه مطلوب نایل گردند. آورده شده کارگری که به واسطه توقیف، از کار روزانه خود بازمانده است، می‌تواند خسارات وارده به خود را مطالبه نماید. اگر منظور این حقوقدان مطالبه خسارتی باشد که در آینده وارد خواهد شد، در فرض سوال وجود مقتضی قابل اثبات نیست و از این حیث محکوم به رد است مگر آنکه به طریقی دیگر مطالبه خسارت محقق گردد.

قسمت اخیر ماده ۲۶۷ ق.م. و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.د.م. متذکر عدم النفع شده است. اگرچه برخی از حقوقدانان با استفاده از دو عبارت عدم النفع و منفعت فوت شده، بدون توجه به تفاوت این دو، از عدم النفع حمایت کرده یا فوت منفعت را به آینده مرتبط کرده‌اند، اما این دو تأسیس حقوقی، متمایز از یکدیگر، یکی، منفعت عین، بسان خود عین مال در مثال تصرف به عدوان خانه و ممانعت از استیفای مالک، است و دیگری، در مثال ممانعت ثالث از فروش خانه توسط مالک در موقعیت خوب بازار که عدم النفع است. این تمایز واجد اثر حقوقی قابل توجه است زیرا منفعت فوت شده عین، همانگونه که خسارت به خود عین نیز قابل مطالبه است، می‌تواند مورد ادعای خواهان قرار گرفته و جبران آن مطالبه شود؛ در نتیجه در ذیل خسارت وارد شده مندرج در متن ماده ۵۱۵ ق.د.م. قرار می‌گردد و ارتباطی با خسارتی که در آینده ایجاد خواهد شد، ندارد.

۳-۲- در نظام حقوقی کانادا

در نظام حقوقی کانادا در حقوق کانادا از واژه دامیج^۱ (در صیغه مفرد) برای تعریف خسارت استفاده شده است و در توصیف آن همانند حقوق ایران از الفاظ و کلمات مشابه و معادل از قبیل ضرر و زیان، لطمه و صدمه بدنی، هرگونه آسیب بهره‌گیری شده است. خسارات ممکن است به شخص یا اموال او وارد شده باشد. اما صیغه جمع این کلمه متمایز از صیغه مفرد آن و به معنای تاوان یا غرامت پولی است که در مقام جبران ضرر یا زیانهای وارده به شخص یا اموال او در اثر ارتکاب یک فعل غیر قانونی، ترک فعل یا عمل خطاکارانه حکم به پرداخت می‌شود. همچنین ممکن است علت پرداخت خسارت ارتکاب یک فعل مسئولیت باشد و از این حیث تفاوتی میان مسئولیت مدنی و نقض قرارداد وجود ندارد و ویژگی بارز این غرامات، پرداخت مبلغی پول می‌باشد. همانگونه که در تبیین اصول یا اهداف حاکم بر جبران خسارت در مباحث آتی ذکر خواهد شد، هدف از جبران خسارت، اعاده وضعیت زیان‌دیده به زمان قبل از ورود خسارت یا ارتکاب فعل زیانبار می‌باشد که این امر با پرداخت مبلغی پول، تحقق می‌یابد.

¹ Damage.

در حقوق کانادا، در قبال نقض تعهدات قراردادی، چهار نوع جبران خسارت پیش بینی شده است که عبارتند از: خسارت جبرانی یا ترمیمی^۱، خسارت تنبیهی^۲، خسارت اعاده ای^۳ و خسارت اسمی^۴. در ادامه مروری مختصر بر اقسام متعدد خسارت به عمل می‌آوریم که قبل از ورود به مباحث اصلی اقسام خسارت مروری اجمالی بر آن مفید بوده و زمینه را جهت ارائه بحث‌های تفصیلی فراهم می‌نماید:

خسارت جبرانی یا ترمیمی: که هدف از آن پرداخت آن جبران ضرر و زیانهای وارده به شخص زیان‌دیده می‌باشد. اصل اولیه در حقوق کانادا این است که پرداخت خسارت باید به منظور جبران زیانهای وارده باشد، البته استثنائاتی بر این اصل وجود دارد:

- خسارت تنبیهی: که آن را یک نوع خسارت شبه حقوقی- شبه کیفری نیز می‌نامند. هدف از آن مجازات یا کیفر اعمال خشونت آمیز شخص می‌باشد و از این جهت این خسارت جریمه یا شرط کیفری نیز نامیده شده است. هدف اولیه این نوع خسارات، جبران خسارت نبوده بلکه همان گونه که در بالا نیز خاطر نشان شد، مجازات یا تنبیه متخلف از تعهد قراردادی می‌باشد. در قضیه *Hill v Church of Scientology of Toronto* آمده است: «خسارت تنبیهی، هیچ ارتباطی با آنچه که خواهان به عنوان جبران خسارت دریافت می‌نماید، ندارد. هدف آن‌ها جبران خسارت خواهان نبوده بلکه در مقابل، مجازات خواهان می‌باشد. این روش جبران خسارت، طریقی است که به واسطه آن، هیات منصفه یا قاضی خشم خود را از رفتار متخلفانه خواننده ابراز می‌نماید.»

در طول یک دهه گذشته، البته رویه قضایی کانادا در صدد بوده است که حدود و ثغور خسارت تنبیهی ناشی از نقض قرارداد را به نحو مطلوب‌تری تبیین نماید و شاید یکی از بهترین تلاش‌ها در این زمینه را می‌توان در قضیه *Whiten v Pilot Insurance Co.* مورد اشاره قرار داد:

«۱. حکم به جبران خسارات تنبیهی به دسته‌های خاصی از سوءرفتارها و تخلفات قراردادی محدود نمی‌شود. در مقابل، ساز و کار کنترل متناسب در یک ارزیابی منطقی به این نکته معطوف می‌باشد که شرایط و اوضاع و احوال در چه شرایط و اوضاع و احوالی الحاق تنبیه به جبران خسارت در یک دعوای مدنی را توجیه می‌نماید؛

۲. اهداف کلی خسارت تنبیهی، بازگرداندن شدن وضعیت قرارداد به پیش از انعقاد قرارداد، بازدارندگی و ارعاب می‌باشد؛

۳. صدور حکم مجازات از سوی یک دادگاه کیفری برای جرمی به دلایلی که مربوط به همان واقعیاتی است که مربوط به نقض قرارداد در یک دعوای مدنی است، مانع از آن نخواهد شد که دادگاه حقوقی حکم به جبران خسارت بدهد و بنابراین صدور حکم کیفری مبنی بر محکومیت، مانع از خسارت تنبیهی در یک دعوای مدنی نخواهد شد؛

۴. یک رویکرد اصولی نسبت به خسارات تنبیهی مورد نیاز می‌باشد؛

۵. حکم نسبت به خسارات تنبیهی تنها در مواردی ضروری و لازم می‌باشد که این مقدار، پایین‌ترین مقداری باشد که اهداف یادشده در فوق را دنبال می‌نماید؛

۶. هیچ مقدار مشخص و ثابت خسارت تنبیهی وجود نداشته و هیچ ارتباطی نیز بین خسارت تنبیهی و خسارت جبرانی وجود نخواهد داشت.»

1. Compensatory Damages.

2. Punitive damages.

3. Restitutiouonal damages.

4. Nominal damages.

خسارت تنبیهی اساساً در نظام حقوقی کانادا نه به عنوان یک اصل بلکه به عنوان یک استثناء مورد پذیرش قرار گرفته است و به ویژه در مواردی مورد استناد دادگاه قرار گرفته است که یکی از طرفین در نقض اصل حسن نیت مرتکب نقض تعهد قراردادی شده است. در رویه قضایی کانادا، خسارت تنبیهی عمدتاً در روابط قراردادی میان کارفرما و کارگر مورد رای واقع شده است (Chapman, 2002).

در نقطه مقابل جواز خسارت تنبیهی در نظام حقوقی کانادا، نظام حقوقی ایران وجود دارد. در حقوق ایران، اصل بر ترمیمی بودن خسارات و اعاده وضع زیان دیده به حالت سابق است و در حقوق داخلی، حکم به پرداخت خسارت تنبیهی نوعاً مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. البته خسارت تاخیر تادیه، وجه التزام، جریمه اجبار و دیه به عنوان راه حل جایگزین خسارات تنبیهی در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار گرفته‌اند (Sadeghi, 2009).

- خسارات بیش از حد مقرر قانونی^۱: یک نوع دیگر از نهادهای جبران خسارت که در حقوق کانادا مورد توجه در زمینه جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد می‌گردد، خسارات مشدده یا خسارات بیش از حد مقرر قانونی است. این نوع خسارات را نباید با خسارات تنبیهی اشتباه نمود چرا که همان گونه که گفته شد، هدف اولیه خسارات تنبیهی، نه جبران خسارت بلکه تنبیه متخلف از قرارداد می‌باشد، خساراتی است که توسط هیات منصفه حکم به پرداخت می‌شود و مبلغ آن براساس اوضاع و احوال و وقایع خاص پرونده بیش از مبلغی است که قانون حکم می‌نماید که آن خسارات غیر متعارف و خشونت آمیز نیز گفته می‌شود. در رویه قضایی کانادا به تفکیک میان خسارات بیش از حد مقرر قانونی و خسارات تنبیهی توجه شده است از جمله در قضیه *Vorvis v Insurance Corporation of British Columbia* آمده است: «خسارات مشدده یا خسارات بیش از حد مقرر قانونی نسبت به جبران خساراتی صورت می‌گیرد که بیش از حد مقرر قانونی صورت پذیرفته است. این خسارات عمدتاً به خسارات معنوی و روانی مربوط بوده و معمولاً به خساراتی مربوط می‌شود که بر مبنای قواعد کلی مرتبط با ارزیابی خسارت‌ها، قابلیت تقویم دارند. خسارت‌های مشدده یا خسارات بیش از حد مقرر قانونی، در ذات و ماهیت خود، خسارات جبرانی بوده و می‌توانند تنها در این راستا، مورد حکم واقع شوند. خسارات تنبیهی، از سوی دیگر، در ماهیت امر خود تنبیهی بوده و می‌توانند تنها در مواردی مورد حکم واقع شوند که شکایت خواهان به منظور تنبیه خوانده باشد.»

- خسارات مورد انتظار^۲: در نظام حقوقی کانادا، جبران خسارت‌ها هم برای خسارت‌های مادی^۳ و هم خسارت‌های معنوی^۴ مورد حکم قرار می‌گیرند. خسارت‌های معنوی، خسارت‌هایی هستند که مربوط به آسیب و تالمت روحی و روانی می‌شوند. اما خسارت‌های مادی، خسارت‌هایی هستند که می‌توانند به صورت پولی تقویم شوند و اساساً خسارت‌ها به اموال، خدمات، خسارت‌ها به اعتبار تجاری یا مبالغ مالی و خسارت‌ها به منفعت اقتصادی ناشی می‌شوند. اصل اساسی در جبران خسارت کانادا، خواه مرتبط با خسارات مورد انتظار باشد یا اینکه خسارات مشدده یا سایر نهادهای جبران خسارت در حقوق کانادا، «بازگرداندن به وضعیت سابق»^۵ بوده است (Shelton & Alexander, 2010). بنابراین، اصل اساسی در جبران خسارت‌هایی که ناشی از نقض قرارداد بوده است،

1. Aggravated Damages.

2. Anticipated Damages.

3. Pecuniary Damages.

4. Non- Pecuniary Damages.

5. restitutio in integrum.

بازگرداندن آن‌ها به وضعیت سابق بوده به شکلی که خواهان بتواند به وضعیتی که پیش از انعقاد قرارداد داشته است بازگردد. اصل اساسی دیگر در جبران خسارت‌ها در حقوق کانادا، آن است که جبران خسارت بایستی منصفانه، متناسب و منطقی و مورد انتظار باشد و بر همین اساس، خسارت‌های غیرمستقیم در نظام حقوقی کانادا قابل مطالبه نیستند (Monica & Constantin, 2012). هرگونه جبران خسارت مورد انتظار بر مبنای قانون نظام ارزی کانادا، بایستی به پول ملی کانادا باشد. در نتیجه این امر، بسیاری از محاکم قضایی کانادا در دعاوی مطروحه حتی اگر خسارت مربوط به قراردادهایی با ارزهای خارجی باشد، حکم به پرداخت جبران خسارت به پول ملی کانادا می‌نمایند. در دعاوی عدم اجرای قرارداد حکم به پرداخت آن می‌شود. ارزیابی این خسارت به گونه‌ای است که وضعیت اقتصادی متعهدله قبل و بعد از اجرای فرضی قرارداد در نظر گرفته می‌شود و این مابه التفاوت را به عنوان مبلغ خسارت به او می‌پردازند و هدف از پرداخت آن، قراردادن متعهدله در وضعیتی است که در صورت اجرای کامل قرارداد در آن وضعیت قرار می‌گرفت.

- خسارت طاری یا ضمنی: این خسارت عمدتاً مشتمل بر هزینه‌ها یا مخارج معقول ناشی از توقف تحویل کالا یا حمل و نقل یا مراقبت کالا بخاطر نقض تعهد خرید و فروش مجدد یا اعاده کالا می‌شود. همچنین خسارت ناشی از نقض تعهد توسط فروشنده مشتمل بر هزینه‌های معقول بازرسی دریافت، حمل و نگهداری کالاهایی که به درستی رو شده است و هرگونه هزینه معقول از لحاظ تجاری و حق الزحمه‌ها و مخارج مربوط به تامین خسارت و هرگونه هزینه معقول ناشی از تاخیر در اجرا یا نقض قرارداد می‌شود.

■ خسارت غیر قابل جبران: خساراتی است که هیچگونه ضابطه پولی یا استاندارد دقیق برای ارزیابی آن وجود ندارد و نمی‌توان براساس قانون، جبران دقیقی برای آن‌ها منظور نمود.

■ خسارت مقطوع و جریمه‌ها: در حقوق ایران از آن به عنوان وجه التزام یاد می‌نمایند.

خساراتی است که عمدتاً مبلغ یا میزان آن توسط طرفین قرارداد بهنگام انعقاد آن معین و مقرر می‌گردد که در صورت نقض قرارداد توسط یکی از طرفین قابل پرداخت می‌باشد. در کنار آن جریمه عدم اجرای تعهد یا تاخیر در اجرای تعهد یا اجرای معیوب آن قرارداد.

■ جریمه: تعیین مقطوع خسارت بصورت شرط ضمنی در عقد، ناظر به ارزیابی واقعی و تعیین از پیش میزان زیانهای ناشی از نقض قرارداد می‌باشد. لیکن در تعیین جریمه، منظور تضمین اجرای قرارداد از طریق ایجاد هراس و ارعاب یا تهدید طرفین قرارداد می‌باشد.

۳-۳- در نظام حقوقی فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه، جبران خسارت ناشی از انتقال فناوری صرفاً در دو وضعیت نقض قرارداد یا تاخیر در ایفای تعهدات قراردادی مطرح می‌شود مگر اینکه اثبات شود که خسارت واقع شده به سبب یک عامل خارجی بوده است که نمی‌تواند قابل انتساب به یک طرف قرارداد باشد. شرایط مربوط به ایفای تعهدات قراردادی بسته به اینکه تعهدات از نوع تعهدات به فعل باشد یا تعهدات به نتیجه؛ متغیر است. در مورد اول یعنی تعهدات به نتیجه، خواهان برای اثبات نقض قرارداد صرفاً بایستی اثبات نماید که تعهدات مطرح شده، ایفاء نگردیده است. در مورد دوم یعنی تعهدات به فعل، خواهان بایستی اثبات نماید که متعهد با تقصیر، تعهدات خود را ایفاء نکرده است. نقض قرارداد بایستی موجب ضرر متعهدله شده باشد. دادگاه‌های فرانسوی جبران خسارت‌های متعددی از جمله خسارت‌های مادی، خسارت‌های تنبیهی یا خسارت‌های

بدنی را مورد توجه قرار داده اند. علاوه بر شرط ورود ضرر به متعهدله، بایستی یک رابطه سببیت بین نقض قرارداد و خسارت واقع شده وجود داشته باشد و بر همین اساس بایستی گفت که خسارات بایستی فوری باشند و در نتیجه مستقیم عدم ایفای تعهدات قراردادی باشند. البته به مانند سایر نظام‌های حقوقی، استثنایاتی در زمینه جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد در نظام حقوقی فرانسه مورد پذیرش قرار گرفته است که عبارتند از: اشتباه^۱، تقلب^۲، اکراه^۳، فقدان دلیل^۴، عدم افشای اطلاعات^۵، تعارض بین قرارداد خصوصی و نظم عمومی^۶ که در مواد ۶ و ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه آمده است (Habibi, 2015; Hashemi, 2005).

نتیجه‌گیری

قرارداد انتقال فناوری از مهم‌ترین نوع قراردادهای در حوزه حقوق مالکیت فکری تلقی می‌شود و بنابراین، می‌توان آن را از زمره قراردادهای نوین دانست که عمدتاً در روابط بین دولت‌های توسعه یافته و در حال توسعه پدید می‌آید. معمولاً قراردادهای انتقال فناوری در حوزه‌های بنیادین صورت می‌گیرد که صنایع در کشورهای در حال توسعه با صرف هزینه‌های معمول امکان دست‌یابی بدان را ندارند یا دست‌یابی بدان از نظر اقتصادی توجیه پذیر نیست. احتمالاً بتوان به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق این نوع قراردادهای به بخش خودروسازی اشاره داشت. در این نوع قراردادهای نیز به مانند سایر قراردادهای، امکان نقض تعهدات قراردادی و قانونی وجود دارد و اولین پرسشی که با نقض قرارداد در قراردادهای انتقال فناوری می‌شود، این است که چه ساز و کارهای جبران خسارت پیش‌بینی شده است؟ در این راستا، پاسخ نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و فرانسه به این پرسش متفاوت است به نحوی که در نظام حقوقی ایران، در پرتو اصل کلی الزام به ایفای تعهدات قراردادی، در وهله اول پرداخت خسارت انتخاب نشده بلکه در این زمینه، بایستی الزام به ایفای تعهدات قراردادی نبود و در وهله آخر، پرداخت خسارت، امکان پذیر است. این در حالی است که در زمینه نقض قراردادهای انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی فرانسه و کانادا، پرداخت خسارت ساده‌ترین و معمول‌ترین شکل ترمیم ضرر و زیان است، این طریق برای جبران انواع مختلف ضرر و زیان اعم از مادی معنوی و عدم النفع قابل اجراءست زیرا هدف از اقامه دعوی خصوصی این است که وضع مادی متضرر به حالت قبل از وقوع جرم برگردد و ضرر معنوی او تا حد امکان جبران شود و این هردو با پرداخت خسارت امکان پذیر است. جبران خسارت ناشی از نقض قراردادهای انتقال فناوری در هر سه نظام حقوقی ایران، کانادا و فرانسه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. با این حال چند تفاوت اصلی در این زمینه وجود دارد اولاً اینکه تنها خسارت‌هایی در عالم حقوق کانادا قابلیت جبران دارند که قطعی یا حتمی باشند. خسارت قطعی یا حتمی، خسارتی است که به طور قطع وارده شده است یا واقع خواهد شد. بنابراین می‌تواند ناظر بر گذشته یا آینده باشد.

ثانیاً اینکه در جبران خسارت ناشی از نقض قراردادهای انتقال فناوری در نظام‌های حقوقی کانادا و فرانسه برخلاف نظام حقوقی ایران، هدف اول، نقش تحذیری جبران خسارت است که اشخاص را از ورود زیان به دیگران باز می‌دارد و هدف دوم، جبران خسارت زیان دیده است که باید دید آیا این شیوه واقعا خسارت‌های وارد را جبران می‌نماید یا خیر.

1. Mistakes (erreur).

2. Fraud (dol).

3. Duress (violence).

4. Absence of cause.

5. Failure to disclose information, lesion.

6. A conflict between the private agreement and ordre public.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Technology transfer contracts are crucial agreements in industrial property law, where technology holders transfer specific, often strategic, technologies to another party in exchange for financial compensation for a set period. Despite their economic importance, these agreements are susceptible to breaches, necessitating clear compensation mechanisms across various legal systems. This study conducts a comparative analysis of compensation for breaches of these contracts within the frameworks of Iranian, Canadian, and French legal systems, as well as Islamic jurisprudence. The research employs a descriptive-analytical methodology, assessing legislative and judicial approaches across the mentioned jurisdictions. Significant variations in compensatory practices emerge, shaped by legal and cultural norms specific to each system.

Technology transfer, as defined in international economic law, serves as a development catalyst for emerging economies that lack the technological advancements of industrialized nations. Consequently, the effectiveness and enforceability of such contracts influence economic growth, technology diffusion, and innovation (Rahbari, 2013). In Canada, the Public Servants Inventions Act and guidelines on intellectual property management address technology transfer, emphasizing intellectual property rights protection and adherence to fair use standards (International Chamber of Commerce, 2015). French regulations, under Law No. 75-1334 and Article 442-1 of the Commercial Code, govern technology transfers and integrate European Union directives aimed at promoting competition while safeguarding proprietary technology (Monica & Constantin, 2012). Iran's legislative framework encompasses the Electronic Commerce Law and the Foreign Investment Promotion and Protection Act, which align with domestic economic policies emphasizing technology-driven growth and the protection of investments (Pouran Manjily & Taleghani, 2015).

The Canadian legal system prioritizes full compensation for technology transfer breaches, recognizing economic harm as both direct and indirect consequences of contract violations. Canadian jurisprudence identifies four types of compensatory damages: compensatory, punitive, restorative, and nominal (Chapman, 2002). Compensatory damages aim to restore the injured party's financial position, while punitive damages serve as a deterrent against severe contractual breaches (Whiten v Pilot Insurance Co.). Furthermore, the Canadian courts emphasize the principle of foreseeability, limiting recoverable damages to those anticipated at the contract's inception (Shelton & Alexander, 2010). The legal emphasis on predictability and fairness ensures that technology holders remain incentivized to engage in cross-border technology transfers without fear of disproportionate losses.

The French approach similarly stresses compensation but introduces unique elements rooted in civil law traditions. Compensation mechanisms address both material and immaterial damages, and the breach of contract must establish a direct causative link to the claimed loss (Habibi, 2015). French law distinguishes between obligations of means and obligations of result, influencing the burden of proof required to claim damages (Hashemi, 2005). Notably, breaches related to non-performance or

delayed execution invoke remedies that reflect the contractual parties' expectations while preserving the balance between protecting technology developers and promoting economic efficiency. French jurisprudence often integrates contractual flexibility, allowing parties to renegotiate terms in response to unforeseen circumstances.

In contrast, Iran's legal framework, grounded in both statutory law and Islamic jurisprudence, approaches compensation with a focus on equitable remedies and the preservation of contractual integrity. Iranian law emphasizes the restitution of financial and moral damages, although the concept of punitive damages is not as well-established as in common law jurisdictions (Sadeghi, 2009). Islamic jurisprudence introduces additional complexities, especially in cases involving the transfer of intangible assets. Traditional Islamic principles restrict the commodification of knowledge and technology, emphasizing ethical considerations over pure economic gain (Muqaddas Ardabili, 1992). The jurisprudential analysis reveals a preference for restorative justice, where wrongdoers are obligated to compensate losses proportionately while adhering to religious norms.

The study highlights the influence of socio-legal contexts on the interpretation and enforcement of technology transfer agreements. Canada and France, as technology-exporting nations, prioritize full economic restitution to ensure continuous innovation and economic advancement (International Chamber of Commerce, 2015). These jurisdictions emphasize the deterrence of contractual breaches through stringent legal frameworks, reinforcing trust in international technology transactions. On the other hand, Iran's approach, shaped by Islamic legal traditions and national economic priorities, seeks a balance between protecting domestic interests and encouraging foreign investment. The analysis underscores the challenges of harmonizing compensation standards globally, especially when cultural and religious values intersect with economic objectives (Ariaparsa & Ebramihi, 2023). In conclusion, the study offers a nuanced understanding of how different legal systems address breaches of technology transfer contracts. While Canada and France employ rigorous compensation strategies to safeguard technological assets, Iran's approach reflects a blend of statutory provisions and Islamic jurisprudence, emphasizing fairness and restorative principles. The findings suggest that international collaboration and mutual understanding of legal disparities are essential for fostering a conducive environment for technology transfer, ultimately benefiting global economic development and technological innovation.

References

- Akbari, M., Hataminezhad, M., & Hooshmand Chajjani, M. (2020). The relationship between technology transfer, outsourcing and organizational capabilities with innovative performance in drug industry. *Innovation Management in Defensive Organizations*, 3(2), 49-76. <https://doi.org/10.22034/qjimdo.2020.201274.1191>
- Alexandra, L. P. (2015). *Climate Change and Human Rights: Intellectual Property Challenges and Opportunities*. Australian National University College of Law.
- Ansari, S. (2009). *Makaseb*. Dar al-Fikr Publications.
- Ariaparsa, M., & Ebramihi, H. (2023). Technology Transfer Process in the Context of Open Innovation Paradigm. *Dynamic Management and Business Analysis*, 2(2), 28-39. <https://doi.org/10.22034/dmbaj.2024.2022823.1017>
- Barros, M. V., Ferreira, M. B., do Prado, G. F., Piekarski, C. M., & Picinin, C. T. (2020). The interaction between knowledge management and technology transfer: a current literature review between 2013 and 2018. *The Journal of Technology Transfer*, 45(5), 1585-1606. <https://doi.org/10.1007/s10961-020-09782-w>
- Chapman, R. (2002). The Human Rights Implications of Intellectual Property Protection. *Journal of International Economic Law*, 5(4). <https://doi.org/10.1093/jiel/5.4.861>
- Comprehensive Abbasid (Fifteen Chapters). (1883).
- Eslami, R. (2005). *Introduction to Jurisprudence*. Management Center of the Seminary, Qom.

- Habibi, M. (2015). *Intellectual Property Rights and Human Rights: Interactions and Conflicts*. Mofid University Press.
- Hashemi, M. (2005). *Human Rights and Fundamental Freedoms*. Mizan Publications.
- International Chamber of Commerce. (2015). *Intellectual Property Roadmap of the International Chamber of Commerce*. Iranian Committee of the International Chamber of Commerce.
- Kavita, K. (2011). Climate Change, Intellectual Property, and the Scope of Human Rights Obligations. *Sustainable Development Law & Policy*, 11.
- Link, A. N., & Oliver, Z. T. (2020). *Technology transfer and US public sector innovation*. Edward Elgar Publishing.
- Martin, K. (2012). *CLIMATE CHANGE, TECHNOLOGY AND INTELLECTUAL PROPERTY RIGHTS: CONTEXT AND RECENT NEGOTIATIONS*. South Centre Research Paper.
- Monica, S., & Constantin, V. (2012). Climate Change, Intellectual Property, and Global Justice. *Public Reason*, 4(1-2).
- Muqaddas Ardabili. (1992). *Sharh al-Irshad al-Adhhan ila Ahkam al-Iman*.
- Najm al-Din Ja'far ibn Hasan al-Hilli. *Kitab al-Shara'i: Second Chapter: On the Contract of Sale and its Conditions*.
- Pouran Manjily, H., & Taleghani, M. (2015). Technology transfer strategy in the upstream oil industry (oil fields development) of the Islamic Republic of Iran has provided the effectiveness of technology transfer model. *International Journal of Operations Research*, 5(4), 87-101. http://ijorlu.liu.ac.ir/browse.php?a_id=483&sid=1&slc_lang=fa
- Rahbari, E. (2013). *Technology Transfer Law*. SAMT Publications.
- Sadeghi, M. (2009). *Protection of Pharmaceutical Innovations and Accession to the World Trade Organization*. Mizan Publications.
- Scarrà, D., & Piccaluga, A. (2020). The impact of technology transfer and knowledge spillover from Big Science: a literature review. *Technovation*, 102165.
- Shahid al-Thani, Z. a.-D. (2005). *Tahrir al-Rawdah fi Sharh al-Lum'ah*. SAMT Publications.
- Shelton, D., & Alexander, K. (2010). *Judicial Handbook on Environmental Law*. Khorsandi Publications.
- Silva, V. L., Kovaleski, J. L., & Pagani, R. N. (2019). Technology Transfer and Human Capital in the Industrial 4.0 Scenario: A Theoretical Study. *Future Studies Research Journal: Trends and Strategies*, 11(1), 102-122. <https://doi.org/10.24023/FutureJournal/2175-5825/2019.v11i1.369>
- Trade Representative of the Islamic Republic of Iran. (2006). *World Trade Organization: Structure, Rules, and Agreements*. Commercial Printing and Publishing Company.
- Ungureanu, M., Pop, N., & Ungureanu, N. (2016). Innovation and Technology Transfer for Business Development. *Procedia Engineering*, 149, 495-500. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2016.06.697>